

"زندگی به عنوان نامزد امپراطور"



مترجم :

لاکس

ویراستار :

کاری از تیم :

Flaxen Guys

۴_۵_۵12

کلینر :

Akane

تایپیست :

Lack Wood



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guyss



@FlaxenGuys

اون هنوز
امپراتریس نیست.



فعلاً فقط یه نامزده.



مجلس سنا قراره
کلی سنتی بکشه.

مجلس عوام
قطعاً این لایحه رو متوقف
می‌کنه. در این صورت، نماینده‌های
مجلس عوام هم مخالفت
می‌کنن.



اون نمی‌خواد
مجلس عوام قدرت
رو به دست بگیره؟

واضح
که نماینده‌های مجلس
عوام پایگاه حمایتی
نخست‌وزیرن.



به هر حال،
حمایت ما از امپراطور
در مقایسه با گذشته
کمترنگ شده.



از اونجا که خیلی
از اعضای مجلس سنا تو
این موضوع درگیرن، هیچ دلیلی
برای مخالفت با نخست‌وزیر
وجود نداره.



با اینکه نمی‌دونم
تو ذهنت چی می‌گذره،
ولی سنا موافق این
لایحه نیست.



سنا و بیشتر از
نصف مجلس عوام...



اومدن سمت من ولی...



برای اینکه
مطمئن بشم برم
قطعیه، باید برم پیش
وزیر دارایی...



چقدر رو منخ.



황제의 악문녀로 산하는 것은

طراح: Chimpa
نویسنده: Saebyeon Yuseong
مخصول: Orange Track

(41)

اولیویا اولیور،

*Olivia Oliver



فقط اسمش شبیه یه خانم دوست داشتید. ولی سی و هشت ساله که داره مثل یه هیولا به عنوان وزیر دارایی کار می‌کنه.

از اونجا که مغزش فقط پر عدده، هیچ تهدید یا توافقش روش تأثیر نداره.

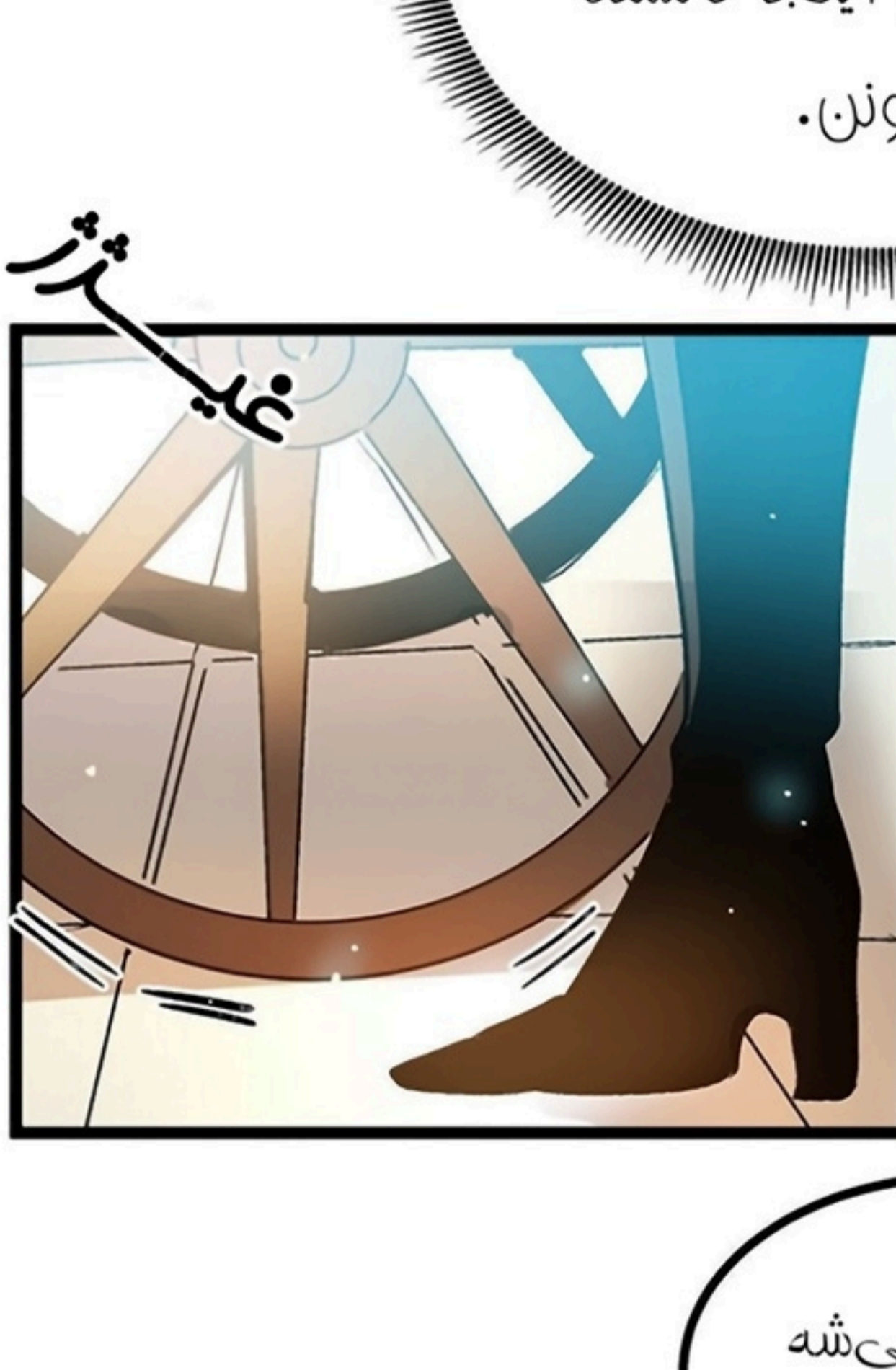
لعنتی باید چی کار کنم تا وزیر دارایی هم بیاد طرف من؟

تلق تلق



همه؟
یه کالسه؟

کسای که از خانواده سلطنتی نیستن اجازه ندارن اینجا کالسه برونن.



چند وقتی می‌شه ندیدمت، ترزا.



هالتون پطوره، والا حضرت کایلا؟

شنیدم دارین روی گیگلاس که آلوده شده تحقیق می‌کنین.

فوشبفتانه، به نظر هالتون فوبه.

فیرا فوب به گوشت می‌رسن.

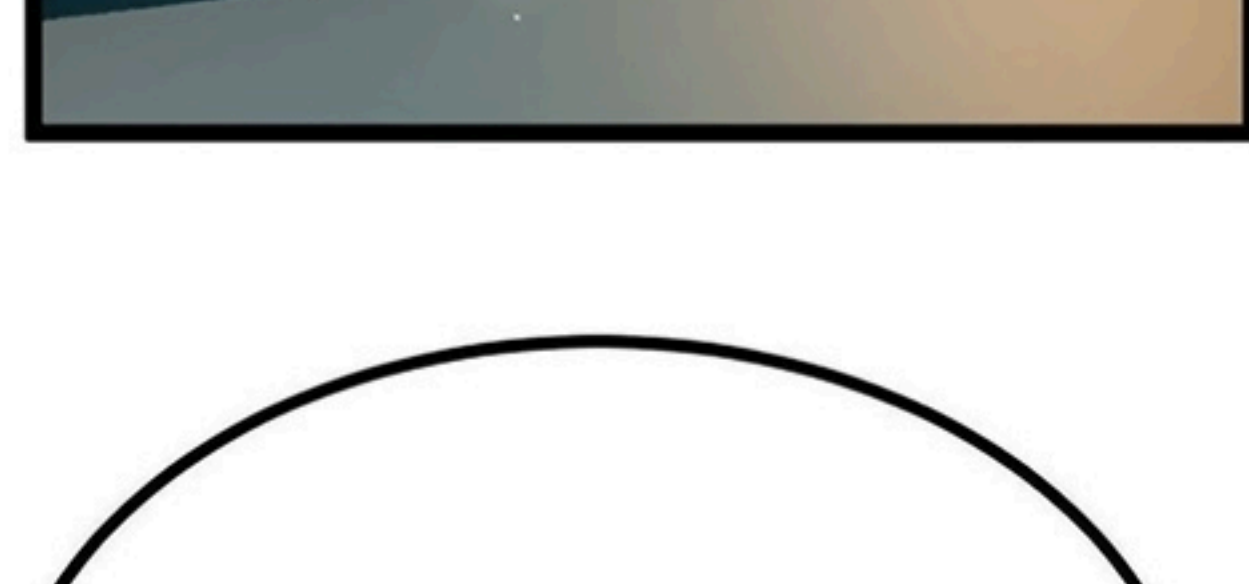
منم از کارای تو بی‌خبر نیستم. شنیدم که پقدر سروصدا کردی. این روزا تو هم سرت با قلدری برای اعلی‌حضرت شلوغه؟

چه قلدری‌ای؟ هیچ کس به اندازه من به اعلی‌حضرت وفادار نیست.



اینکه به وفاداری من شک می‌کنین ناراحت می‌کنه.

فراموشش کن. یه سوال ازت دارم که جوابشو فوب می‌دونی.



می‌خواهم ادا آوری رو ببینم، کجا باید برم؟



آم... آم...



مطمئن شدم که کسی نزدیک اینجا نشه.



باشه، کارت خوب بود. منم مدت زیادی اینجا نمی‌مونم.



من کایلا فاس ارماتان هستم. شنیدم حالت خوب نیست، پس خودتو با خوشامدگویی بی‌مورد خسته نکن.



آه...

بله...



اعتراف می‌کنم که الان وقت مناسبی برای ملاقات ما نیست. ولی، من باید خیلی زود برگردم. چند مورد هست که دوست دارم درموردشون بپرسم...



نه، فقط یکیه.



اون مغرور و سرده، ولی، داره طبیعی رفتار می‌کنه... خانواده سلطنتی اینطورین...؟

لطفاً بفرمایین.



تو رو فرستاده تا به اعلیضرت بپرسی؟

من اینجا نیستم که سرزنشت کنم، پس فقط چوایمو بده. به هر حال، اکه تو رو نقست وزیر اینجا آورده باشه، مشکلی برای امنیت پیش نیاد، پس خیالت راحت باشه.



داریت درباره چی حرف می‌زنین...؟

اینطور به نظر نیاید.
عالیه. پس مهم نیست.

منظورتون از
کسی که نشست وزیر
اینجا آورده، چیه؟

ولش کن.
اگه نمی‌دونی، لازم
نیست درموردش نگران
باشی. بینم می‌تونی
راه بری؟

چرخیدن

اگه حالت خوبه،
می‌توام باهات به دیدن
اعلیحضرت برم.

منو ببخشید...
ولی من نمی‌تونم این
کارو انجام بدم.

چرا؟

آه...

چی شده؟

خب...

من با اعلیحضرت
دعوا کردم...

سرافلانگی

پلک زدن

پلک زدن

...

تو با اعلیحضرت
بفت کردی؟!؟

بله...

رزیدن

رزیدن

پف!

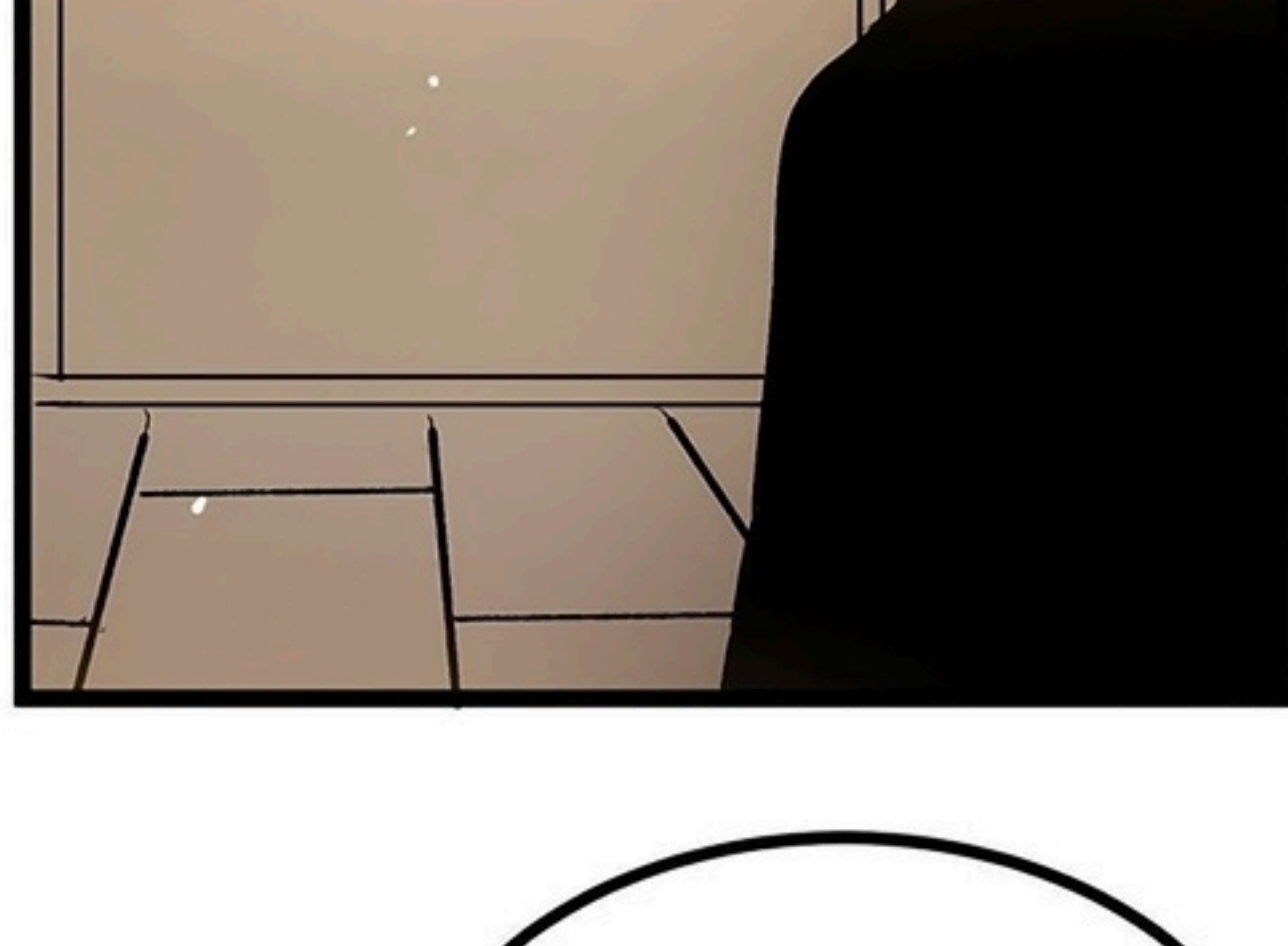
هاهاهاها...
?

رزیدن



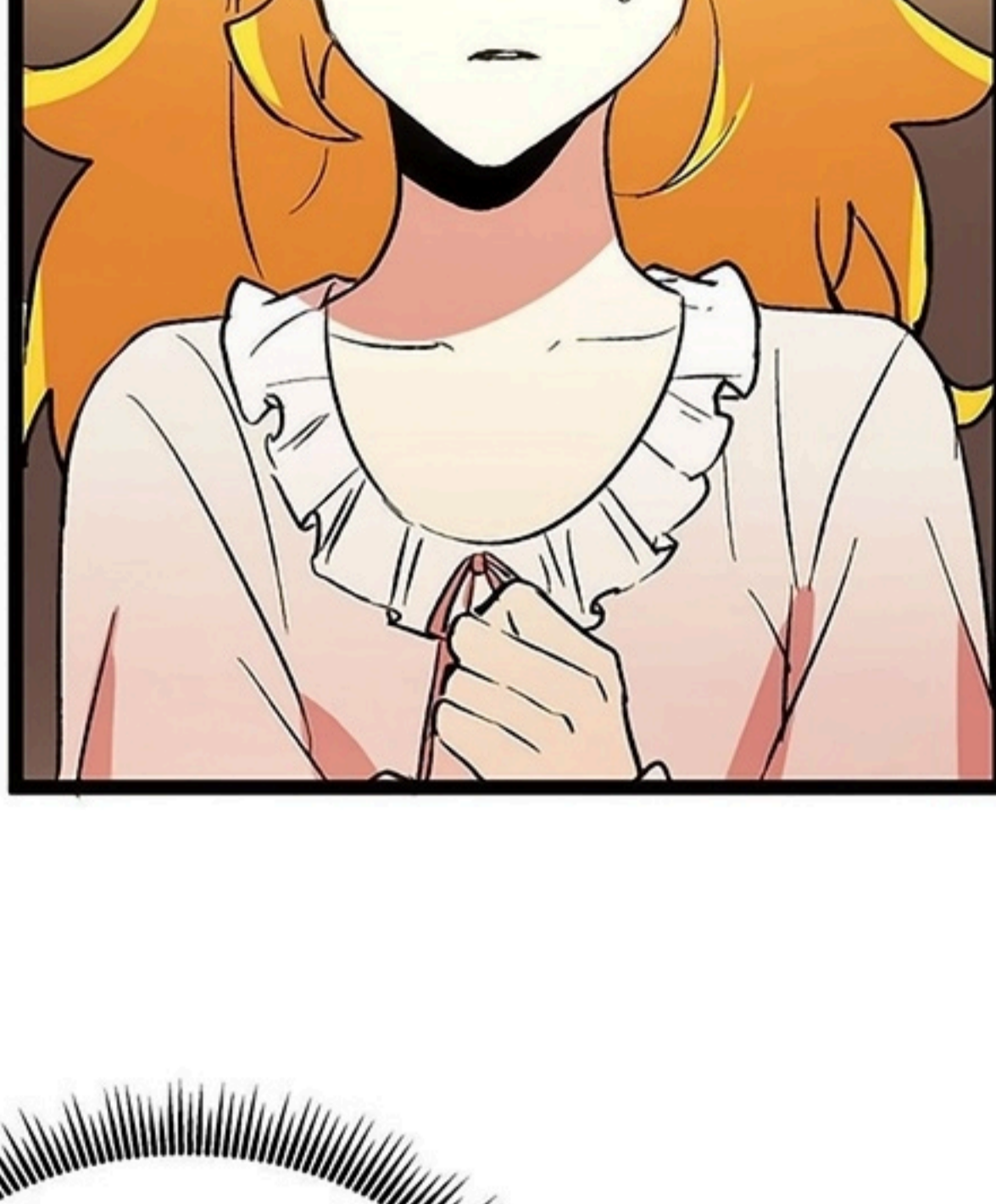
بازگردن

اگه اینطور باشه،
کارپش نمی شه کرد.
دفعه ی بعد می بینمت.



بستن

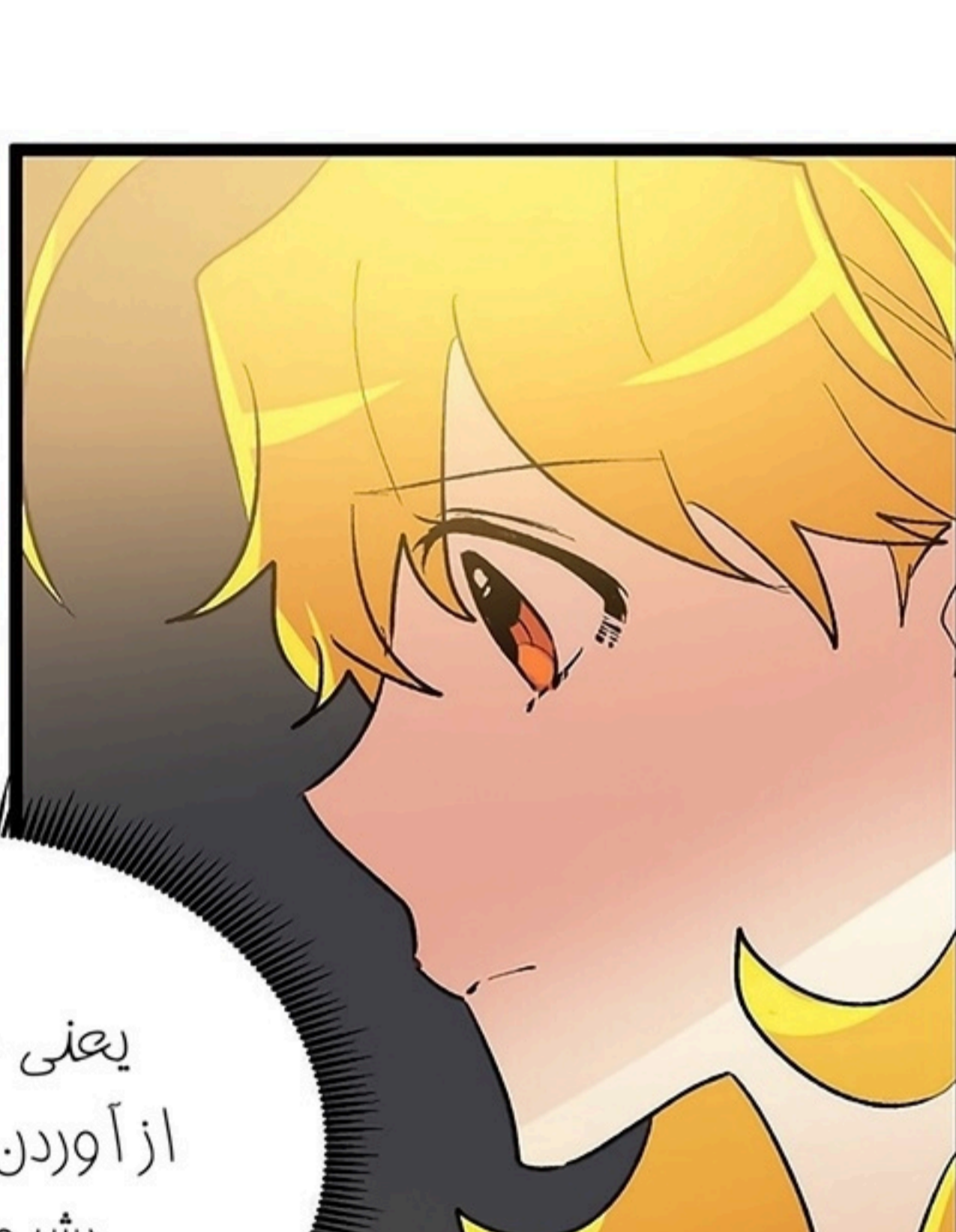
یعنی... ههه
چی درست می شه؟



اون نمی دونه که
اعلیحضرت منو با استفاده
از پول اینجا آورده.



اگه اون فکر کنه
من به عامی وحشی ام،
باید چی کار کنم؟



یعنی ممکنه اون
از آوردن من به اینجا
پشیمون بشه...



سینه م درد می کنه...

اون بهم گفت که هیچ
نوعی نداشته باشم، ولی...



فشاردن

ناراحتم... امیدوار
بودم که اعلیحضرت ازم
حمایت کنه...



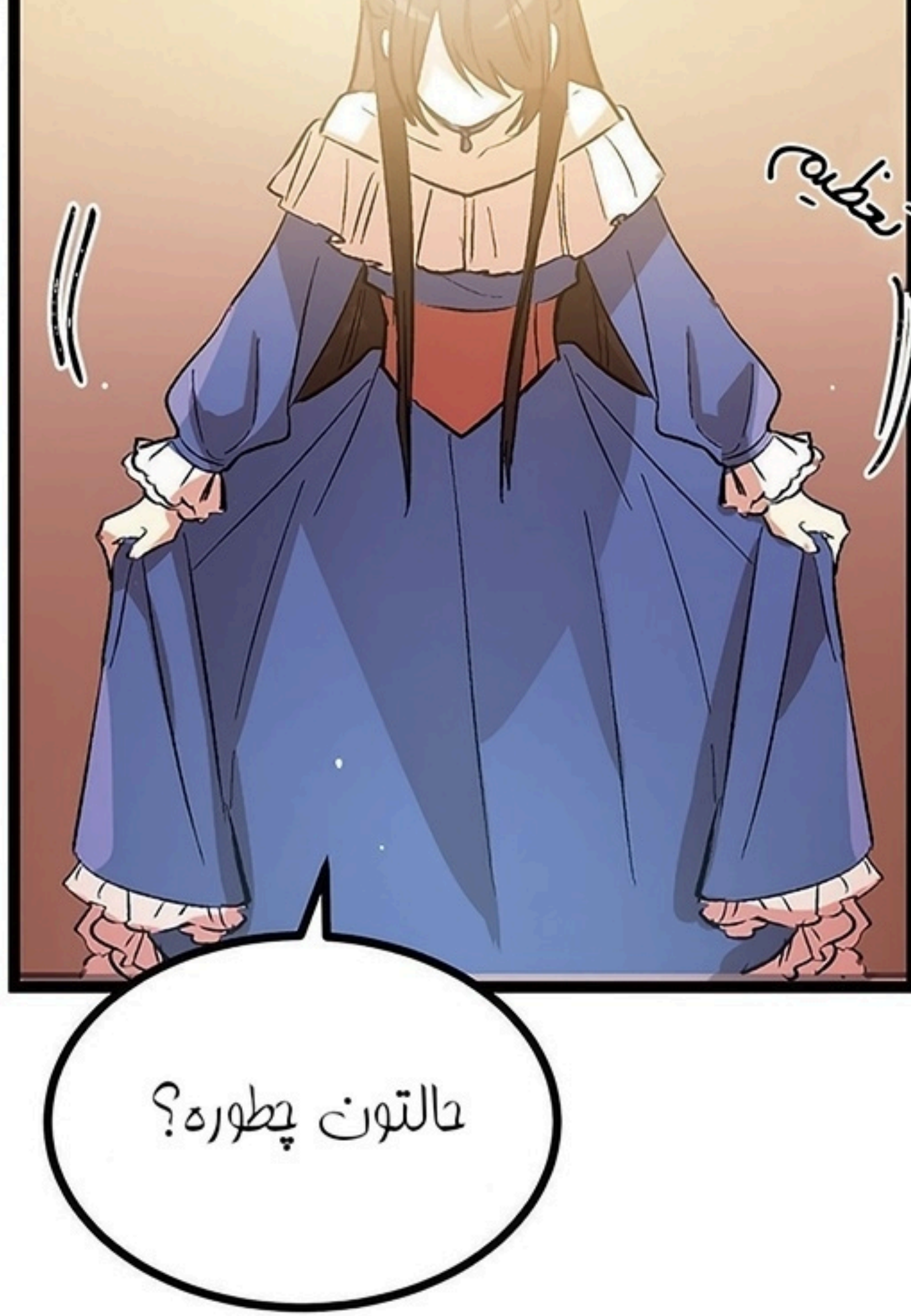
با این حال، این
لایحه باید تصویب بشه.

حتی اگه بر خلاف
میل اعلیحضرت باشه.

وقتی قرائت سوم
تموم بشه من کجام...؟

بیرون کاخ امپراطوری؟
اگه نه، برمی گردم پیش
اعلیحضرت...؟

اعلیٰ حضرت، کایلا
فاس ارماتان به شما
درود می فرستد.



مالتون چگونه؟

کایلا، چند
وقتی شده.



کایلا یتیم
هیجان زده به نظر
میاد... چون چند وقتی
هست که همو ندیدیم
اینطوری؟



قبل از اینکه
پیام اینجا با ایلک آوریان
ملاقات کردم.

چی؟

...چرا؟



کنیکاو بودم که
اون چه جور آدمیه.



این به تو
ربطی نداره.



فراموشش
کن. اگه برگشتی،
می تونی تو کاخ فوت
تا اون موقع بمونی.

کراسیس.

کراسیس؟



وقتی جوون تر
بودیم منو به اون اسم
صدا می زد...



